جام جم

قاب تلویزیون

ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم ■ ۷ خرداد ۱۴۰۱ ● شماره ۸۰۱



۲

نگاهی به مسیری که شبکه نمایش خانگی طی سال‌های گذشته طی کرده

همیشه، راه میانه راه درست نیست

گفت‌وگو با دارا حیایی درباره سریال «از سرنوشت»

زنده‌باد جوان ایرانی!

۸



۴



نگاهی به برنامه‌هایی که دغدغه ایجاد ارتباط بیشتر میان جامعه و کتاب داشته‌اند

صدا، تصویر، کتاب

۶



درباره جمال اجلالی، بازیگر خوب نقش‌های مکمل که این روزها در بستر بیماری است

در قلب ما

مزایده ۳۱۹۲ و ۳۱۹۳/ ۱۴۰۱
خودرو و اقلام
مرکز فروش کوثر
شرح در صفحه ۷



Club



خانواده‌های مذهبی مومن و متعهدی که طرفدار حجاب و سبک زندگی ایرانی- اسلامی هستند یا حتی ترجیح داده‌اند قواعد مورد تایید انقلاب را بپذیرند
فیلم و سریال‌هایی را می‌بینند که از تلویزیون پخش می‌شود
این یعنی ضوابط و قواعد تلویزیون را بیشتر می‌پذیرند

یادداشت

مثل خود شنبه...



سیناعلی محمدی
روزنامه‌نگار

یکی از همان شنبه‌های قشنگ خدا بود. از همان شنبه‌هاکه قرار است تحول اساسی‌ای را در زندگی‌مان رقم بزنیم، سخت‌ترین تصمیم‌ها را بگیریم و خلاصه هر کدام‌مان به‌نوعی از سرخط شروع کنیم به نوشتن...

آن شنبه اما همین روزها نبود. از سال‌های کمی دورتر حرف می‌زنم. از یکشنبه بهاری در سال ۸۴ که برای اولین‌بار از پله‌های روزنامه جام‌جم بالا رفتم و در تحریریه وزینش نشستم. آن روز را با تمام جزئیات، گوشه ذهنم ثبت کرده‌ام. یک نسخه از روزنامه که روی میز گروه فرهنگ و هنر بود را ورق زدم و رسیدم به ضمیمه «قاب کوچک»؛ ضمیمه‌ای ویژه رادیو و تلویزیون. برایم همان موقع هم سوال شد که چرا شنبه را به این ویژه‌نامه اختصاص داده‌اند و چرا به نامش پسوند کوچک افزوده‌اند.

برای هر دو سوال تقریبا هیچ‌وقت پاسخ منطقی پیدا نکردم، تا امروز که قرار است هر شنبه با همان قاب کوچک، مهمان شما باشم؛ مهمانی که قرار نیست با کت و شلوار و خیلی رسمی و اتوکشیده به خانه شما بیاید. ما مثل خود شنبه، قرار است تحولگرا باشیم و در اولین قدم، تیپ‌مان را تغییر می‌دهیم و لباس صمیمی‌تری می‌پوشیم، خیلی راحت و خودمانی می‌نشینیم کنارتان و در این قاب کوچک، درباره یک رسانه‌ملی و بزرگ گپ می‌زنیم. ما مثل آن شنبه دوست‌داشتنی، قرار است رژیم هم بگیریم؛ یک رژیم اخلاقی، رفتاری و رسانه‌ای. قرار است درست‌ها را درشت بنویسیم و البته کاستی‌ها را هم دیگر زیرسبیلی رد نخواهیم کرد. اصلا هر از گاهی باید یک سوزن به خودمان و خانواده صداوسیما بزنیم.

قاب کوچک نامش شاید پسوند کوچک داشته باشد اما قرار است بزرگ باشد و بزرگ نگاه کند و یک ضمیمه راهبر و جریان‌ساز شود، ان‌شاءا... با کمک همه شما.

نگاهی به مسیری که شبکه نمایش خانگی طی سال‌های گذشته طی کرده

همیشه، راه میانه، راه درست نیست



کیوان امجدیان
روزنامه‌نگار

تا چند سال پیش از آن‌که شبکه نمایش خانگی شرایط و شکل امروز را پیدا کند و سریال پشت سریال از آن بیرون بیاید، بعضی‌ها اعتقاد داشتند تلویزیون جمهوری اسلامی ایران در نوع پیشبرد مسیر تولیداتش و همچنین پوشش‌ها و روابط، شرایط و ضوابطی دارد که به‌واسطه این شرایط، مخاطبانش ممکن است ریزش داشته باشند و ترجیح دهند به سراغ خوراک‌های دیگری بروند؛ اول به شبکه‌های ماهواره‌ای و بعدتر به فضای مجازی مراجعه کنند. شاید اصلا با همین توجیه بود که شبکه نمایش خانگی وقتی به راه افتاد، شکل و شمایل و ضوابطش در این مسیر تغییر کرد. با این تغییر، تصمیم گرفتند قواعد و ضوابط نمایش در شبکه نمایش خانگی را کمی متفاوت‌تر از تلویزیون وضع کنند. قواعد و شرایطی که باعث شد مردم آن را به شرایط دوگانه تعبیر کنند.

بعد از آن بود که شبکه‌های نمایش خانگی و پلتفرم‌های مختلف به بهانه جذب مخاطب حد وسط و کشاندن طیف خاکستری برای تماشای محتوای ارائه شده و... تا توانستند از خط قرمزها گذشتند و قواعد و ضوابط را زیر پا گذاشتند اما نتیجه این ماجرا معکوس بود. حالا دیگر اغلب مردم به این نتیجه رسیده‌اند که از قضا این راه منطقی و معقولی نیست و مردم به واسطه این‌که فلان بازیگر پوشش سبک‌تری دارد یا مثلا روسری‌اش را پشت سرش گذاشته یا لباس‌های دور از هنجاری پوشیده است، جذب سریال‌ها و فیلم‌های شبکه نمایش خانگی نمی‌شوند.

حالا دیگر این موضوع اثبات شده است اگر مردم بخواهند سریال یا فیلمی از شبکه نمایش خانگی را انتخاب کنند به‌واسطه داستان جذاب، نوع ساختار آن و بازیگران آن است و نه به خاطر این‌که شکل و شرایط پوشش در آن نسبت به تلویزیون متفاوت است. افرادی هم که قرار باشد معیار انتخاب‌شان پوشش و لباس باشد، یقینا به سراغ سریال‌های شبکه نمایش خانگی نمی‌روند و انتخاب آنها از منابع و مجاری دیگری است. منابعی ازجمله ماهواره‌ها و بعضی کانال‌ها و صفحه‌ها و بخش‌های دیگر فضای مجازی...

از قضا، خانواده‌های مذهبی مومن و متعهدی که طرفدار حجاب و سبک زندگی ایرانی- اسلامی هستند یا حتی ترجیح داده‌اند قواعد مورد تایید انقلاب را بپذیرند، فیلم و سریال‌هایی را می‌بینند که از تلویزیون پخش می‌شود. این یعنی ضوابط و قواعد تلویزیون را بیشتر می‌پذیرند.



اگر تلویزیون بتواند در داستان و نوع ساخت و سایر موارد، آثاری جذاب و خوش ساخت با بار دراماتیک قابل قبول و بهتر از شبکه نمایش خانگی ارائه دهد، ترجیح مخاطبان انتخاب آن سریال‌هاست. آنها تلویزیون را انتخاب می‌کنند نه شبکه نمایش خانگی را. حالا دیگر معلوم شده است که نوع پوشش دورتر از پوشش تراز جامعه اسلامی و دورتر از سبک ایرانی- اسلامی نه‌تنها برای مردم امتیاز محسوب نمی‌شود، بلکه از قضا نمره منفی برای آن است. خانواده‌های معتقدتر ترجیح می‌دهند با خیال راحت، کنار یکدیگر سریالی را از تلویزیون ببینند و آنها که به این موارد اعتقاد ندارند هم ترجیح می‌دهند سریال‌ها یا فیلم‌هایی نزدیک به سبک زندگی و پوشش غربی ببینند. این افراد هم، خوراک‌شان را نه از شبکه نمایش خانگی بلکه از راه‌های دیگر دریافت می‌کنند.

در نتیجه این‌که گمان کنیم در این مورد خاص حد وسط جواب می‌دهد، عین سادگی داده این مسیر نشان است. همه این مسیر صداوسیما درستی در پیش گرفته و شناخت درستی از مخاطبانش دارد.

ستاره‌های واقعی در رسانه ملی



زینب مرتضایی فرد
سردبیر برنامه «سطرآخر»

همیشه حرف بسیار است از این‌که مواجهه صداوسیما با کتاب چگونه است یا این‌که در دنیای امروز مدام توجه به کتاب کمتر می‌شود و رسانه‌های دیگر در زندگی انسان‌ها پررنگ‌تر می‌شوند. این اتفاق البته تا حد زیادی طبیعی است، روزگاری کتاب رسانه بود و شاعران و نویسندگان تنها دارندگان این رسانه جمعی اما حالا تعداد رسانه‌های جمعی بسیار است و اغلب آنها هم رنگ‌ولعابی دارند که اگر حواسمان نباشد، می‌توانند به راحتی مچ کتاب را بخوابانند. حالا می‌شود رسانه‌های دیگر را تعطیل کرد و گفت آی مردم کتاب باکیفیت‌تر است؟ نه می‌توان و نه درست است! هر رسانه‌ای جایگاه خودش را دارد و این سیاستگذاران هر جامعه هستند که می‌توانند در میزان توجه مردم به رسانه و فرهنگ اثرگذار باشند. مثلا می‌توان کتاب خوب را به رادیو و تلویزیون آورد.

چه اشکالی دارد که برای متن خوب فرش قرمز هم پهن کنیم و با احترام بیاوریمش مقابل مردم؟ این سال‌ها برنامه‌های مرتبط با کتاب کم نبوده‌اند، هرچند انتقادات هم کم نبوده‌اند اما از دریچه همین تجربه‌هاست که می‌توان رسید به برنامه مطلوب و اثرگذار. می‌توان رسید به این‌که چطور باید برنامه‌ای جذاب داشت که صرفا هم سلبریتی‌محور نشود و نخواهد برای حفظ و جذب مخاطب سراغ چهره‌های کتابی و غیرکتابی رفت. کم‌کم می‌شود یاد گرفت چطور ستاره‌های واقعی را لابه‌لای صفحات کتاب‌ها پیدا کرد و با لبخندهای طلایی‌شان و دردهای واقعی‌شان مقابل دوربین زندگی کرد.

این اتفاق در «سطر آخر» برنامه‌ای که هفته گذشته به مناسبت آزادسازی خرمشهر از شبکه یک سیما پخش شد، رخ داد. و چه اتفاق شیرینی هم بود، مرور کتاب‌های خوبی که حالا جز نسخه‌های کاغذی و صوتی و الکترونیک‌شان یک برنامه تلویزیونی هم برای خود دارند. این اتفاق مبارک را باید پی گرفت، با همراهی ناشران و با برنامه‌ریزی و مدیریت رسانه ملی. می‌توان هم به کتاب‌ها فرصت دیده شدن داد و هم به مردم فرصت این مواجهه خوب را. چه اتفاقی بهتر از این؟

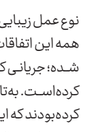


یوسف پسر ابراهیم حاتمی‌کیا فراخوان انتخاب بازیگری در استان فارس را در صفحه شخصی خود در اینستاگرام منتشر کرد.
در این فراخوان گفته شده بود برای انتخاب هنرمندان در روزهای ۱۴ تا ۱۷ مرداد اقدام خواهد شد



سریال به کجا رسید؟

ابراهیم مشغول بازنویسی «موسی(ع)»



فاطمه شهدوست
روزنامه‌نگار

بعضی از قصه‌ها طبق همان ضرب‌المثل قدیمی سر دراز دارند، مثل جریان ساخت سریال حضرت موسی(ع) که حدود ۱۰ سال است بحث آن مطرح شده و هرازگاهی خبری در مورد آخرین وضعیت آن منتشر می‌شود. مرحوم فرج!...سلحشور اولین کارگردان و نویسنده این مجموعه بود که عمرش کفاف نداد و پیش از رسیدن به مرحله تولید، از میان ما رفت. او در مصاحبه‌ای که سال ۹۲ داشت، درباره ساخت این سریال این‌طور بیان کرده بود: «حداقل زمان ساخت این فیلم پنج سال می‌شود و همه لوکیشن‌ها و سکانس‌های آن در ایران تصویربرداری می‌شود. این سریال، عظیم‌ترین اثری است که تا به حال تاریخ دنیا به خود دیده و خیلی فراتر از توان ماست. البته از لحاظ تکنیکی هم باید خود را بالا بکشیم، که نیاز به بودجه دارد. باید ببینیم مسؤولان ذی‌ربط برای این کار وقت می‌گذارند یا خیر. هر قسمت این سریال ۵۵ دقیقه است که هر دو قسمت معادل یک فیلم سینمایی عظیم است و فقط حدود ۵۰۰ دقیقه جلوه‌های ویژه دارد.»

در ادامه با درگذشت سلحشور، قرعه ساخت سریال به نام جمال شورجه افتاد اما با بیماری او باز هم پروژه متوقف شد. پس از این جریان ابراهیم حاتمی‌کیا سکان هدایت این مجموعه تلویزیونی را برعهده گرفت و قرار شد جمال شورجه به عنوان کارگردان دوم با او همکاری کند. حاتمی‌کیا همان موقع‌ها درباره به عهده گرفتن سکان کارگردانی این پروژه گفته بود: «در میان آثار متعددی که ساخته‌ام، جای یک کار قرآنی را خالی می‌بینم و به همین علت با انگیزه و علاقه این مسؤولیت سنگین را می‌پذیرم.»

با همه اینها داستان سریال حضرت موسی(ع) سر دراز دارد و آن‌قدر کار بزرگی است که هنوز همه تیم در گیرودار پیشبرد مراحل ساخت آن هستند. مدتی پیش فراخوان جذب بازیگر برای این سریال هم نگاه‌ها را به خود جلب کرد. در یکی از این فراخوان‌ها، یوسف پسر ابراهیم حاتمی‌کیا فراخوان انتخاب بازیگری‌ای در استان فارس را در صفحه شخصی خود در اینستاگرام منتشر کرد. در این فراخوان گفته شده بود برای انتخاب هنرمندان در روزهای ۱۴ تا ۱۷ مرداد اقدام خواهد شد و در بخشی از آن به جزئیات مختلفی هم اشاره شده که از جمله آنها می‌توان به این نکته اشاره کرد که تاکید شده است متقاضی به هیچ عنوان هیچ نوع عمل زیبایی (صورت، بینی، لب، گونه، تتو و...) نباید داشته باشد.

همه این اتفاقات نشان می‌دهد این مجموعه وارد مرحله پیش تولید شده؛ جریانی که البته احمد میرعلایی تهیه‌کننده سریال آن را تأیید کرده است. به تازگی برخی افراد ابهاماتی را درباره ساخت این اثر مطرح کرده بودند که این تهیه‌کننده درباره‌شان توضیح داد و گفت: «ساخت پروژه‌هایی نظیر «موسی(ع)» زمانبر و سخت است و نمی‌توان در مدت‌زمان کوتاه این سریال‌ها را ساخت. این کارها مخاطب جهانی دارد و مطالعه، نگارش، ساخت ادوات و دکور آن وقت‌گیر و سخت است. امیدواریم بتوانیم کاری قرآنی در شأن کشور ایران بسازیم. در حال حاضر پیش تولید سریال مطابق برنامه‌ریزی‌ها در حال انجام است و طی ماه‌های آینده تصویربرداری سریال آغاز می‌شود.»

در کنار اینها روابط عمومی سیمافیلم در پی شایعاتی مبنی بر تعطیلی ساخت سریال حضرت موسی(ع) در بیانیه‌ای که تازگی منتشر کرد، گفته بود: «ابراهیم حاتمی‌کیا تاکنون ۳۰ قسمت از این سریال بیش از ۶۰ قسمتی را به طور کامل بازنویسی کرده است.»

همچنین در این اطلاعیه، از رسانه‌ها خواسته شد از حاشیه‌سازی درباره این سریال تاریخی بپرهیزند؛ چراکه «موسی(ع)» همانند سریال «سلمان فارسی» یکی از اپرپروژه‌های رسانه‌ملی است که ساخت آن چند سال طول می‌کشد و در حال حاضر هم نه‌تنها این پروژه متوقف نشده که حدود ۲۰۰ نفر در بخش‌های مختلف پشت دوربین و کارگاه‌های مختلف مشغول آماده‌سازی شرایط تولید سریال هستند.

داستان مجموعه حضرت‌موسی(ع) هم بر اساس قرآن و متون اسلامی نوشته‌شده، جریانی که با مشورت مراجع تقلید شکل گرفته. همچنین حدود هزار آیه در قرآن درباره حضرت‌موسی(ع) و قوم بنی‌اسرائیل آمده که منبع مناسبی برای روایت داستان زندگی این پیامبر بزرگوار است. در کنار اینها روایات بسیاری از ائمه هم درباره زندگی حضرت‌موسی(ع) وجود دارد که در فیلمنامه گنجانده شده است. تهیه‌کننده سریال هم مدتی پیش اعلام کرده بود قرار است در این سریال (الف ویژه) تلویزیون از بازیگران خارجی هم در کنار بازیگران ایرانی انتخاب شده از سراسر کشور استفاده شود. حالا به جای حاشیه‌سازی و توجه به حاشیه‌ها باید منتظر ماند و دید نتیجه ساخت این سریال با سکان‌داری مشترک حاتمی‌کیا و شورجه چه می‌شود. شکی نیست که یک سریال تاریخی خوب دیگر را در رسانه‌ملی تماشا خواهیم کرد.

روایت سوم‌شخص

این سریال‌های ماندگار



مازیار معاونی
منتقد سینما و تلویزیون

ظرفیت‌ها و جذابیت‌های مقوله تاریخ آنچنان غنی است که از همان نخستین سال‌های تأسیس تلویزیون تولید سریال‌هایی با محوریت تاریخ در دستور کار برنامه‌سازان این رسانه قرار گرفته است، دو سریال «سلطان صاحبقران/ علی حاتمی» و «دلیران تنگستان/ همایون شهنواز» اولین دستاوردهای تلویزیون در حوزه تاریخ بودند که فرازهایی از ادوار تاریخی نزدیک‌تر به زمان معاصر و البته تأثیرگذار بر دهه‌های پس از خود را روایت می‌کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی که پررنگ شدن رویکردهای ایدئولوژیک و فراهم شدن امکان پرداختن به تاریخ صدر اسلام را به دنبال داشت، سیما علاوه بر ساخت مجموعه‌های متعلق به ادوار تاریخی مختلف، سریال‌های حوزه تاریخ اسلام را به عنوان اولویت اصلی خود در دایره سریال‌سازی برگزید. به این ترتیب مجموعه‌های بسیاری با محوریت تاریخ اسلام و در کلیتی فراگیرتر تاریخ ادیان متولد شدند که پروژه سنگین و پرهزینه حضرت موسی(ع) که مراحل دشوار ساخت خود را سپری می‌کند، آخرین آنهاست؛ مجموعه‌ای که یک سینماگر برجسته سینمای دفاع‌مقدس یعنی ابراهیم حاتمی‌کیا پس از درگذشت فرج!... سلحشور و منتفی شدن ساخت پروژه توسط جمال شورجه، عهده‌دار کارگردانی آن شده است تا بعد از دو سریال «خاک سرخ/ ۱۳۸۱» و «حلقه سبز/ ۱۳۸۶» سومین حضورش در قاب شیشه‌ای با یک پروژه فاخر رقم بخورد.

این سریال پس از دو سریال «ابراهیم خلیل!... / محمدرضا ورزی» و «بشارت منجی/ مرحوم نادر طالب‌زاده» که به ترتیب زندگی و نبوت دو پیامبر اولوالعزم یعنی حضرت ابراهیم(ع) و حضرت عیسی(ع) را روایت کرده بودند، سومین مجموعه‌ای است که قرار است به نبوت یکی دیگر از پیامبران اولوالعزم بپردازد. در حافظه نمایشی علاقه‌مندان آثار سینمایی و البته دوستداران سینمای دینی، شاخص‌ترین و به احتمال زیاد تنها اثری که از داستان زندگی و نبوت دشوار و پرپیچ و خم حضرت موسی(ع) بر جا مانده فیلم «ده فرمان» ساخته سیسیل ب دومیل (۱۹۵۹) است که بی‌تردید نوع نگاه و شیوه روایت هالیوودی آن با رویکرد و نوع نگاه مورد تأیید و متدوال سریال‌سازی در ایران تفاوت‌هایی شگرفی دارد. همین موضوع تصمیم‌گیران ارشد نمایشی تلویزیون را برای روایت این داستان از دیدگاه و زاویه‌ای دیگر مجاب کرده است. البته همزمان با تولید این سریال، برجسته‌ترین کارگردان تاریخی‌ساز تلویزیون که سه سریال تاریخی/ اسلامی قابل اعتنای «امام علی(ع)»، «معصومیت از دست رفته» و «مختار نامه» را در کارنامه کاری خود دارد نیز پروژه عظیم دیگر سیما یعنی سریال «سلمان» را در در دست ساخت دارد که بازه زمانی مهمی از دوران ایران زمان ساسانی تا حضور «سلمان» در عربستان صدر اسلام و پس از آن را روایت می‌کند. با ساخته شدن این دو سریال که احتمالا در یک دوره زمانی چهار پنج ساله آماده پخش خواهند شد، کارنامه سیما در تولید آثار تاریخی پربارتر خواهد شد. مسیری که از دهه کم بضاعت ۶۰ و با ساخت سریال‌های جمع و جوری نظیر «روایت عشق ساخته انوشیروان ارجمند/ ۱۳۶۸ محرم» آغاز شده به مرور زمان و با فاصله گرفتن از شرایط سخت آن دوره زمانی و برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌تر، به جایی رسیده که چه در حوزه تاریخ اسلام و چه ادوار تاریخی عناوین متعدد و متنوعی به چشم می‌خورند.

سند کمپانی و برگ سبز **پرّو ۴۰۵** مدل ۸۹ رنگ **خاکستری** پلاک ۳۱۱ ص ۷۸ **ایران** ۵۶ شماره موتور **12488252935** شماره شاسی **NAAM11CA0AK982464** بنام **سجاد مرادی** **گیل ملک** مفقود گردید وفاقد اعتبار است.

کلیه مدارک شامل سه برگ کارخانه سند کمپانی کارت و برگ سبز **موتورسیکلت** یک سیلندر **هوندا** مدل ۱۳۹۳ به رنگ **آبی** شماره انتظامی **ایران** ۶۲۸ - ۹۶۳۵۳ شماره موتور ۳۲۱۳۴۰ شماره بدنه ۹۳۱۱۵۸۴ بنام **مجید مشفقی خوراسگانی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند و برگ سبز خودرو سواری **پژو۴۰۵GLX** آی مدل **۱۳۹۰** به رنگ **نقره‌ای-متالیک** به شماره انتظامی **۹۸۷ص۸۹ ایران ۴۵** به شماره موتور **12489336427** و شماره شاسی **NAAM11CA0BE074080** بنام **رسول افشار دولت‌آبادی** با کد ملی **۲۹۸۵۰۴۳۰۰** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی **پاترول** مدل **۱۳۷۲** **قرمز روغنی** به شماره پلاک **۵۶۳ج۴۲ ایران ۹۶** شماره شاسی **PNK15Z209490** شماره موتور **Z24014063Z** به‌نام **عباسعلی حیدری** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.



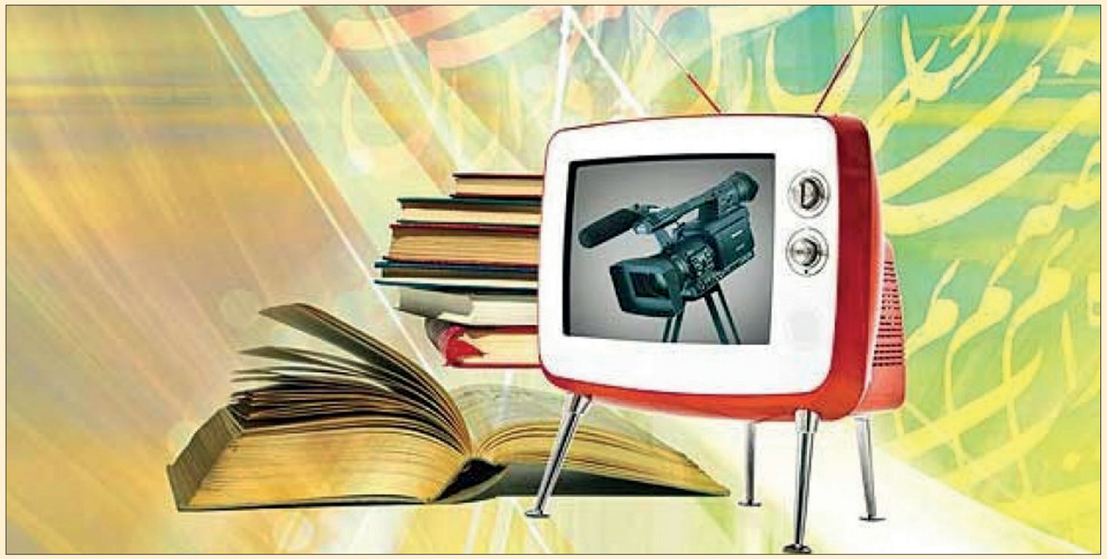
در آخرین آماری که سایت صدا و سیما ارائه کرده است این رسانه طی ۹ ماه سال ۱۴۰۰ در مجموع ۳۵۴۷ ساعت و ۲۳ دقیقه درباره «کتاب و کتابخوانی» برنامه تولید و پخش کرده است



فکر می‌کنم زن و خانواده مهم‌ترین حوزه برای تلویزیون و رسانه است
اگر کسی به دنبال سرمایه‌گذاری است، به دنبال فعالیت در این حوزه برود.
همان‌طور که رهبر معظم انقلاب مکرر به بحث زن و خانواده اشاره دارند
بهتر است پیوست خانواده را به همه کارها اضافه کنیم

نگاهی به برنامه‌هایی که دغدغه ایجاد ارتباط بیشتر میان جامعه و کتاب داشته‌اند

صدا، تصویر، کتاب



زینب زارع چهارمندان
روزنامه‌نگار

تلویزیون امروز به عضوی جدایی‌ناپذیر از زندگی تبدیل شده که تاثیر زیادی بر شکل‌گیری باورها و نگرش مخاطبان دارد؛ پس چه بهتر از این ظرفیت به منظور تبلیغ کتاب و کتابخوانی و یافتن راهی برای ورود کتاب به سبد خانواده‌ها استفاده شود.
شاید اهالی فرهنگ و کتاب به یاد داشته باشند که اولین تیزر تبلیغاتی کتاب در تلویزیون چه زمانی پخش شد. روزهای آخر ماه صفر و همزمان با شهادت امام رضا(ع) در دی ماه ۹۲ سرانجام طلسم شکست و اولین تیزر تلویزیونی کتاب «اعترافات غلامان»، به نمایش درآمد و اهالی فرهنگ و کتاب را به آرزوی دیرینه خود رساند.

پیش از آن، سال ۸۹ یک بار این آرزو در آستانه برآورده‌شدن قرار گرفته بود. حتی برخی رسانه‌ها از علاقه‌مندان خواسته بودند برای استفاده از تخفیف ۷۰ درصدی تلویزیون به منظور تبلیغ کتاب دست بجنبانند اما این اتفاق در آن سال هیچ‌وقت تا مرحله اجرایی شدن پیش نرفت.
بعد از پخش تیزر اعترافات غلامان، خیلی از کارشناسان این اقدام را نویددهنده روزهایی بهتر برای کتاب و کتابخوانی کشور دانستند و امیدوار بودند پخش این تیزرها در رسانه ملی به افزایش کتابخوانی در کشور منجر شود.
سخنان رهبر انقلاب در جمع مسؤولان کتابخانه‌ها و کتابداران در سال ۹۰ را هم باید نقطه عطفی در این ماجرا دانست. ایشان در آن دیدار بر اهمیت تبلیغات کتاب از رسانه‌های گروهی تاکید و عنوان کردند: «کتابخوانی باید در جامعه ترویج شود. این کار برعهده همه دستگاه‌هایی است که در این زمینه مسؤولند؛ از مدارس ابتدایی بگیرید - که برنامه‌هایی باید باشد که کودکان ما را از کودکی به خواندن کتاب عادت بدهد؛ خواندن با تدبر، خواندن با تحقیق و تأمل - تا دستگاه‌های ارتباط جمعی، صدا و سیما و وسایل تبلیغاتی گوناگون.»
اما دلیل این پافشاری و تلاش‌ها برای حضور کتاب در قاب تلویزیون چیست؟ رسانه‌های ارتباطی چه با برنامه‌ریزی و چه بدون برنامه‌ریزی، آموزش‌دهنده هستند؛ چرا که مردم هر لحظه از آنها تأثیر می‌گیرند. در واقع این رسانه‌ها هستند که ارزش‌ها را شکل می‌دهند.
در بسیاری از مواقع، رسانه‌ها پا را فراتر می‌گذارند و توجه مردم را به معیارهای رفتاری و قابل قبول در جامعه و نحوه صحبت در مورد آنها جلب می‌کنند. این رسانه‌های جمعی هستند که می‌گویند چه چیزی و چه کسی در جهان اهمیت دارد و چرا. آنها باعث می‌شوند افراد به ادراکی از خود برسند و مردم را وادار می‌کنند خود را با دیگران قیاس کنند.
اهمیت آموزشی و سایل ارتباطی در جوامع معاصر به حدی است که بعضی از جامعه‌شناسان برای مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سینما نقش آموزش دائمی قائل هستند. همین استدلال‌ها کافی به نظر می‌رسد تا متوجه شویم چرا صدا و تصویر باید در خدمت کتاب باشد.

سه هزار ساعت با کتاب

در این سال‌ها صداوسیما تنها متولی قانونی پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در ایران و بدون شک قدرتمندترین نهاد رسانه‌ای کشور با توجه به طیف وسیع موضوعات و سلایق و نیازهای گوناگون مردم، برنامه‌های متفاوت و متنوعی را برای همه اقشار تولید کرده‌است.
در آخرین آماری که سایت صدا و سیما ارائه کرده‌است، این رسانه طی ۹ ماه سال ۱۴۰۰ در مجموع ۳۵۴۷ ساعت و ۲۳ دقیقه درباره «کتاب و کتابخوانی» برنامه تولید و پخش کرده‌است. از این میزان، در مجموع ۱۳۰۸ ساعت و ۳۴ دقیقه برنامه رادیویی و ۵۷۱ ساعت و ۴۶ دقیقه برنامه تلویزیونی از شبکه‌های سراسری سازمان صدا و سیما تولید شده‌است. شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی استان‌ها هم در مجموع ۹۶۹ ساعت و ۴۷ دقیقه برنامه برای شنوندگان و ۶۲۴ ساعت و ۳۴ دقیقه برنامه برای مخاطبان سیما تولید کرده‌اند.
همچنین طی ۹ ماه، بخش‌های خبری مختلف سازمان صدا و سیما با ۳۵ ساعت و ۱۵ دقیقه برای شنوندگان رادیو و با تولید ۳۷ ساعت و ۲۷ دقیقه برای بینندگان تلویزیون برنامه کتاب‌محور تولید و پخش کرده‌اند. رادیو فرهنگ، شبکه چهار سیما و شبکه استانی فارس، سهم بیشتری در تولید برنامه کتاب‌محور را به خود اختصاص داده‌اند.

کتاب در جعبه جادویی

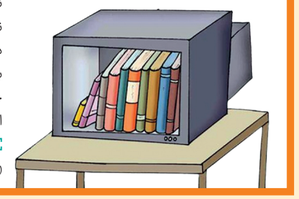
برنامه‌های تولید شده در حوزه‌های کتاب، کتابخوانی، مطالعه، نشر و سایر حوزه‌های مرتبط در چند سال اخیر، در دو دسته کلی قرار می‌گیرند: اول، برنامه‌های مناسبتی که در روزهای برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب یا هفته کتاب و... رونق می‌گیرند. دوم، برنامه‌های روتین و دنباله‌دار که جزو تولیدات منظم شبکه‌های مختلف‌اند و برای مخاطبان علاقه‌مند خود تهیه می‌شوند.
در ادامه نگاهی خواهیم داشت به آثار برجسته تلویزیون به تفکیک شبکه که محور آن کتاب بوده و البته روتین و دنباله‌دار در تلویزیون به نمایش درآمده‌اند.

شبکه یک

روایت ۱۲۰ قسمتی کتاب «دا» به شیوه تصویرسازی. روایت این اثر با پرویش نظریه آغاز شد و افرادی نظیر بهناز جعفری، افسانه بایگان، شقایق فراهانی، نیوشا ضیغمی و... در آن حضور داشتند.
روایت تلویزیونی از کتاب «نورالدین پسر ایران» در ۳۰ قسمت.
برنامه «سطر آخر» که هفته گذشته پخش شد و بر اساس کتاب‌های منتشرشده، خاطرات راویان کتاب‌های مطرح دفاع مقدس را مرور کرد.

شبکه دو

«یار مهربان» در راستای ترویج و گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی در بین مخاطبان به‌ویژه مخاطبان کودک و نوجوان تولید شد. این برنامه علاوه‌بر پرداختن به تأثیر فرهنگ کتابخوانی در نوع زندگی؛ به موضوع اهدای کتاب به مدارس نیز می‌پرداخت.
برنامه‌های دیگر: «کتابخانه عمو پورنگ» و «محله گل و بلبل»



شبکه سه

«کتاب‌فروشی هدهد» که بر اساس گفته کارگردان آن مرضیه برومند، می‌شود کتاب را هم جذاب تبلیغ کرد، شاید تنها فیلمی باشد که به طور مستقیم به مساله کتاب و مطالعه پرداخته‌باشد.
«نردبان آسمان» شامل بخش‌های متنوع و جذابی چون ترنم دل، مستند جمع‌آوری نهج‌البلاغه توسط سیدرضی، رسانه‌های نوین و نهج‌البلاغه، بزرگان و نهج‌البلاغه، مباحث دانشجویی و نهج‌البلاغه بود. این برنامه با هدف آشنایی بیشتر جامعه به‌ویژه جوانان با «کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه» ارائه شد.
برنامه‌های دیگر: «پایی که جاماند»، گزارش «نود ثانیه با کتاب» و «شابک»

شبکه چهار

«کتاب چهار» در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله فلسفه، فلسفه غرب، فلسفه اسلامی، دین‌پژوهی، فلسفه تاریخ، فلسفه هنر، فلسفه دین، الهیات، تاریخ، هنر، ادبیات، تصرف و عرفان، فلسفه علم و معارف اسلامی به معرفی کتاب‌های لاتین و فارسی می‌پرداخت.
«هزار و یک شب» در سال‌های ۹۰ تا ۹۱ به چهار موضوع هنر و ادبیات، کتاب، تاریخ و جامعه با حضور کارشناسان می‌پرداخت.
برنامه‌های دیگر: «کتاب نوروز»، «طوطی‌نامه»، «کارنامه»، «بهار کتاب»، «کتاب هدیه دهیم»، «کتابنامه»، «یادداشت»، «طلوع دانش»، «کاغذ رنگی»، «فانوس»، «نقد کتاب»، «الف» و «طعم مطالعه».

شبکه مستند

مستند «به خود تعظیم می‌کنم»، ایده اصلی این برنامه برگرفته از کتاب بابانظر است. این کتاب بر اساس خاطرات شفاهی خانواده، دوستان و همرزمان شهید نظر نژاد عزیز تدوین و منتشر شده‌است.
برنامه‌های دیگر: «سرقت بزرگ کتاب»، مستند «یادگار دوست» و مستند «ایران»

شبکه افق

«کتاب و دیگرهیچ» در سال ۹۴ گزارشی چند دقیقه‌ای از افراد کتابخوان و آشنایی با آنها بود.

شبکه سلامت

«پاتوق» به معرفی کتاب‌های مفید پزشکی، سلامت و... می‌پرداخت.

شبکه آموزش

«کتابخوان» با موضوع به اشتراک‌گذاری کتاب‌های خوانده شده به مدت چهار ماه هر سه‌شنبه با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی از شبکه آموزش سیما پخش شد.
«تماشای کتاب» با نمایش خلاصه یک فیلم سینمایی که به موضوع کتاب و کتابخوانی پرداخته و با حضور کارشناس رسانه و کارشناس حوزه کتاب، این فیلم تحلیل و بررسی می‌شد. این برنامه در واقع بازپخش برنامه به تماشای کتاب، کار مشترک نهاد کتابخانه‌ها و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران بود که برای نوروز ۹۵ آماده شد.
برنامه‌های دیگر: «سفید» و «دوربین هفت»

شبکه نسیم

«کتاب باز»، یکی از برنامه‌های جذاب شبکه نسیم بود. در بخشی از برنامه مجری از چهره‌ای مشهور و معروف سوال‌هایی درباره کتاب و کتابخوانی می‌پرسید و از آنها می‌خواست کتاب‌های مورد علاقه‌شان را معرفی کنند. در قسمتی دیگر هم یکی از فعالان حوزه کتاب و نشر کتاب‌هایی را به انتخاب خودشان معرفی می‌کنند. منصوره مصطفی‌زاده، مجتبی شکوری، رشید کاکاوند، حسین فروتن و مسعود فراستی از جمله کارشناسان این برنامه بودند.
برنامه‌های دیگر: خندوانه و...

شبکه آی فیلم

برنامه «برگ اول» در شبکه آی فیلم مورد توجه بسیاری قرار گرفته. در این برنامه ایوب آقاخانی، کارگردان و بازیگر به همراه تیم خود چند صفحه از یک کتاب را بازخوانی می‌کند.

گفت‌وگو با فاطمه محمدی
مجری تازه‌ترین برنامه‌ای که با موضوع کتاب از شبکه یک پخش شد

زنان پابه‌پای مردان

شیما کرمی
روزنامه‌نگار

برنامه «سطر آخر» که به تازگی از شبکه یک سیما با اجرای فاطمه محمدی پخش شد، روایت زنانی از این سرزمین است که نام خیلی از آنها تا قبل از این برنامه ناشناخته بود. زنانی که دوش به دوش مردان این سرزمین جنگیدند و از کشور خود حمایت کردند. زنانی که داستان زندگی هرکدامشان به یک کتاب تبدیل شده و توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده‌است. هر قسمت از برنامه سطر آخر مربوط به یکی از این کتاب‌ها بود که به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمدامین نوروزی و سردبیری زینب مرتضایی‌فرد تولید شده‌بود و می‌توان گفت یکی از برنامه‌های موفق مرتبط با کتاب است. به مناسبت پخش این برنامه با محمدی گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

برنامه سطر آخر، با موضوع کتاب جلو می‌رفت. چطور شد اجرای این برنامه را قبول کردید و چه جذابیتی برای شما داشت؟

زمانی که اجرای این برنامه به من پیشنهاد شد، به شدت درگیر پروژه عجیب و غریبی بودم. همزمان سه پیشنهاد اجرای دیگر هم داشتم. به دلیل کاری که انجام می‌دادم، هر سه را رد کردم. شغل اصلی من اجرا نیست و به دلیل علاقه شخصی این کار را انجام می‌دهم؛ البته بیشتر اجراهایم در حوزه خانواده است. اجرای برنامه سطر آخر با شرایط خیلی سختی قبول کردم.
دلیل انتخابم از اجرای این برنامه، روایت‌های جدید از زنانی بود که مستقیم با خرمشهر در ارتباط بودند. یکی از دغدغه‌های اصلی من، زنان و مسائل مربوط به آنان است. برنامه سطر آخر، شامل روایت‌های واقعی از راویان کتاب‌های انتشارات سوره مهر بود؛ کتاب‌هایی که جز پرفروش‌ترین کتاب‌های این انتشارات بودند. دلیل بعدی، این برنامه با محوریت کتاب بود و من به مطالعه بسیار علاقه‌مند هستم.



سطر آخر چه تاثیری روی مخاطب‌ها داشت؟ آیا آنها را ترغیب به خواندن کتاب اصلی می‌کرد؟

طبعا به جهت این‌که قهرمانان مخصوصا قهرمان‌های خانم زیادی داریم، همه از زندگی تمامی آنها باخبر نیستند؛ وقتی که یک برنامه تولید می‌کنیم و به اصطلاح ماجرای کلی را زخمی می‌کنیم یعنی بخشی از ماجرای کلی را می‌گوییم، مخاطبان زیادی دوست دارند ادامه ماجرا را بدانند. خیلی از ما با ماجرای «فرنگیس» تا حدودی آشنا هستیم اما خیلی از زنانی که در هشت سال دفاع‌مقدس رشادت‌های زیادی داشتند، نمی‌شناسیم؛ سطر آخر باعث شد با این زنان آشنا شویم و داستان زندگی هریک از آنها را بشنویم. ای کاش این برنامه ادامه پیدا می‌کرد و تنها مختص به یک بازه زمانی نبود. چنین برنامه‌هایی باعث می‌شود توسعه فرهنگ کتاب‌خوانی یک تکان اساسی بخورد؛ به دلیل این‌که با فضای کتاب عجین است. برنامه‌هایی مانند سطر آخر تبلیغ خیلی خوبی برای کتاب‌هاست. زمانی که این برنامه از تلویزیون پخش می‌شد تعدادی از کتاب‌های سوره مهر در بازار موجود نبود و به اتمام رسید؛ خیلی از این کتاب‌ها به تجدید چاپ رسیدند. بهتر است نشرهای دیگر هم چنین تولیداتی برای کتاب داشته باشند. همان‌طور که ازروی خیلی از کتاب‌ها، فیلم تولید می‌شود و همین روش باعث ماندگاری بیشتر آن ماجرا در ذهن می‌شود، چنین برنامه‌هایی هم قطعا تاثیرات به‌سزایی در ذهن مخاطب دارد.

فکر می‌کنید چه نوع برنامه‌هایی با محوریت کتاب، برای مخاطب جذاب‌تر است؟ دعوت راوی داستان یا شاعر و نویسنده کتاب؟

خیلی با آدم‌های شناخته شده موافق نیستم. به نظر من بیان روایت از زبان راوی ملموس‌تر و تاثیرگذارتر است اما ترکیب دو گروه چهره‌ها و یک شخص غیرچهره را بیشتر می‌پذیرم.

خانم محمدی به عنوان حرف آخر اگر نکته‌ای دارید بفرمایید.

فکر می‌کنم زن و خانواده مهم‌ترین حوزه برای تلویزیون و رسانه است. اگر کسی به دنبال سرمایه‌گذاری است، به دنبال فعالیت در این حوزه برود. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب مکرر به بحث زن و خانواده اشاره دارند، بهتر است پیوست خانواده را به همه کارها اضافه کنیم.
برنامه سطر آخر، رویاتگر زنانی بود که در خرمشهر پابه‌پای مردان این سرزمین جنگیدند. داستان‌های زیادی از مردان قهرمان روایت شده اما در میان هیچ نامی از زنانی که مانند مردان ایستادگی و مقاومت کردند در میان نبوده‌است. زنانی که نسل تولید کردند و نسل‌های آینده این کشور در دستان آنان است.

خانم محمدی شما قبل از برنامه «سطر آخر» این کتاب‌ها را خوانده‌بودید یا خیر؟ یک مقدار هم درباره تیم کارگردانی و تهیه‌کنندگی این برنامه توضیحی دهید.

طبیعتا تعدادی از این کتاب‌ها را مطالعه کرده‌بودم و با بخشی از داستان‌های دیگر آشنا بودم اما به طور کامل تمامی این کتاب‌ها را مطالعه نکرده‌بودم. درباره تیم این برنامه باید بگویم که، این برنامه یک تیم حرفه‌ای داشت. آقای نوروزی، افراد و عواملی قوی و حرفه‌ای را جمع کرده‌بودند. به صورت کلی ایده ساخت این برنامه بسیار عالی بود و خوشبختانه با استقبال خوبی مواجه شد.



بازی اجلالی، ترکیبی از روزمرگی و بطالت حین وظیفه‌شناسی به صحنه می‌دهد. در ضمن، پخش تصنیف کاروان بنان در ماشین هم در تقویت این افسوس عمر رفته، نقش بسزایی دارد و مکمل بازی پرحس و حال اجلالی می‌شود

درباره جمال اجلالی، بازیگر خوب نقش‌های مکمل که این روزها در بستر بیماری است

در قلب ما

علی رستگار
روزنامه‌نگار

هرکارگردانی با او کار کرد، دیگر لبخنده که بعد از نخستین همکاری با جمال اجلالی در سریال حکایت میرزایحیی -که ظاهرا اولین کار تلویزیونی اجلالی هم بود- باز هم از او در سریال‌های در قلب من، با من بمان و فیلم آبی بهره برد. از این میان مهم‌ترین نقش اجلالی در آثار لبخنده، راننده‌ای با اخلاق و وظیفه‌شناس به نام کریم در سریال در قلب من بود که این بازیگر آن را به‌خوبی بازی کرد.

پدرانگی‌های کریم آقا

اساسا بازی در نقش‌های خیلی مثبت و پاکدست در آثار نمایشی چندان موردپسند بازیگران اهل چالش نیست و کاراکترهای منفی و خاکستری بیشتر برای جولان و هنرنمایی به کار می‌آید. اما بازیگری مثل اجلالی از نقشی با ویژگی‌های مثبت اخلاقی که مستعد ارائه بازی پررنگ و یکنواخت است، کاراکتری دوست‌داشتنی خلق می‌کند و از کوچک‌ترین فضاها برای جلوه‌گری نقش بهره می‌برد.

در همان قسمت اول که کریم‌آقا با درخواست ۵۰۰تومان پول از سوی دخترش لیلا (لعیا زنگنه) مواجه می‌شود، پرداخت این مبلغ را با مزاحی نرم و پدرانه برگزار می‌کند، آن پنج ۱۰۰تومانی را با خنده و کرشمه‌ای هنرمندانه به دخترش می‌دهد و این سکانس ساده را که مستعد اجرایی خنثی بود، از آب و گل درمی‌آورد.

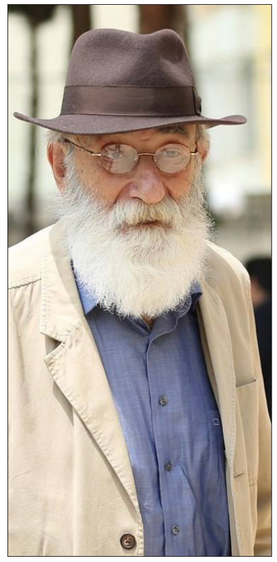
در قسمت و سکانسی دیگر کریم‌آقا که در ماشین نشسته و منتظر اتمام جلسه رئیسش اسفندیاری است، با همکارش مواجه می‌شود که برای شامش ساندویچ آورده، اما کریم می‌گوید ساندویچ نمی‌خواهد و به نوشابه بسنده می‌کند. همکار، دو ساندویچ و دو نوشابه را تحویل کریم می‌دهد تا برود و برگردد.

اجلالی، امانتی‌ها را می‌گیرد و شیشه ماشین را بالا می‌کشد و فقط با یک لبخند و چسباندن سرش به شیشه، چنان عمقی به این سکانس ساده می‌دهد که کم‌نظیر است. بازی اجلالی ترکیبی از روزمرگی و بطالت حین وظیفه‌شناسی، به صحنه می‌دهد. در ضمن، پخش تصنیف کاروان بنان در ماشین هم در تقویت این افسوس عمر رفته، نقش بسزایی دارد و مکمل بازی پرحس و حال اجلالی می‌شود.

خاکستری‌های اجلالی

بازی اجلالی قابلیت دارد تا مرز باریک فضای جدی و کمدی را محو کند و بر جذابیت و غافلگیری نقش و قصه بیفزاید. مثل آنجا که حین صحبت‌های اسفندیاری (ایرج راد) بی‌هوا خوابش می‌برد و رفیق قدیمی و رئیس فعلی‌اش را با خواب بسیار سنگین و در حد بیهوشی‌اش نصف‌العمر می‌کند.

برای بازیگری که از پس جذاب‌کردن مثبت‌ترین نقش‌ها برمی‌آید، بازی در نقش‌های خاکستری به‌راحتی آب‌خوردن است. مثل کاری که در نقش احمد قندی، رئیس کارخانه سریال برای آخرین بار



(اکبر منصورفلاح) می‌کند که همان سرچراغی، عذر یکی از کارگرانش حبیب (امیر جعفری) را به‌دلیل لیچارهای وارده می‌خواهد. در اشاره‌ای فرامتنی و غیرمرتبط، چهره و اسم کاراکتر اجلالی در این سریال، عجیب یادآور حسین قندی، استاد فقید روزنامه‌نگاری ایران است.

سمندریان و کشف یک استعداد

خسرو معصومی هم از جمله سینماگرانی است که همکاری‌اش با اجلالی از یک بار فراتر رفت و بعد از بازی این بازیگر در فیلم باد در علفزار می‌پیچد، در سریال‌های بچه‌های بهشت و خداحافظ بچه‌ها هم از اجلالی استفاده کرد.

حمید سمندریان هم به‌عنوان اولین کسی که استعداد اجلالی را کشف و از او در نمایش‌های مرغ دریایی، ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی و دایره گچی قفقازی بهره برد، در اولین و آخرین فیلم سینمایی‌اش هم نقش پدر ماه‌بانو را به او داد و اجلالی با این‌که سه سال کوچک‌تر از هما روستا بود، نقش پدرش را بازی کرد. در اهمیت حضور اجلالی همین بس که وجه تسمیه فیلم در دیالوگ‌های آغازین اوست و نام «تمام وسوسه‌های زمین» بعد از جمله‌های این بازیگر بر زمینه تیتراژ نقش می‌بندد.

باوجود بازی‌های اندک اما خوب اجلالی در سینما و حسرتی که تا همیشه در این زمینه برای مخاطبان وجود خواهد داشت، بی‌تردید بهترین بازی کارنامه‌اش، نقش دکتر در آرایش غلیظ است؛ نقشی که انگار تیزرش را سال‌ها قبل در سریال مسافر دیده بودیم. آنجا که در پاسخ به پرسش دخترش افسانه (آنا نعمتی) در شناخت آدم‌های معتاد می‌گوید: «کاری که به آدم معتاد با خودش می‌کنه، هیچ دشمن قداری با آدم نمی‌کنه.» این تعریف دقیق از اعتیاد را سال‌ها بعد در نقش دکتری معتاد و به ته خط رسیده، به درخشان‌ترین شکل ممکن در فیلم حمید نعمت‌ا... به ما نشان می‌دهد و راه و رسم سفر به قلعه پرتغالی‌ها را با ترکیب چند سی‌سی دمنوش موادمخدر و یکی دو پر پرتقال به جوانی شیطان‌صفت (مسعود) با بازی حامد بهداد می‌آموزد.

این از هنر اجلالی است که در رقابت با کاراکترهای غریب و بی‌همتایی چون برقی(علی عمرانی) و هومن جودکی(حبیب رضایی) هیچ کم نمی‌آورد و حتی جلوه‌گری فزون‌تری هم دارد.

اجلالی سال‌هاست ما را به بازی‌های خوبش عادت داده و معتاد کرده است و در هر بار نقش‌آفرینی دست ما را می‌گیرد و خوش‌خوشان و بی‌ضرر و عوارض به قلعه پرتغالی‌ها می‌برد. پس از او خواهش می‌کنیم زودتر لباس عافیت بپوشد و دوباره دز حضورش را بالا ببرد.

سند برگ سبز **خودرو ام وی ام ۳۱۵** مدل **۹۳** رنگ **نوک مدادی** شماره موتور **MVM477FJAD014764** شماره شاسی **NATFBAMD3D1012531** شماره پلاک **۶۴۸ م ۱۴ ایران ۴۶** به‌نام **محدثه هزاری** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز **پراید** مدل **۱۳۸۲** به رنگ **سفید** شماره انتظامی **ایران ۱۳- ۱۷۴ق ۸۷** شماره موتور **00456930** شماره شاسی **S1412282921243** به‌نام **علی اکبر محمودی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کلیه مدارک خودرو **مزدا۳** مدل **۱۳۸۷** به رنگ **سفید** شماره انتظامی **ایران ۱۳- ۳۵ق۴۴۵** شماره موتور **LF10450573** شماره شاسی **NAGBSX7CC11C00261** به‌نام **لاله ضیائی شهرکی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی سواری **سمند LX-EF7** به رنگ **سفید روغنی** مدل **۱۳۹۴** شماره موتور **147H0178935** شماره شاسی **NAACR1HW3FF612725** به شماره پلاک **۳۲۱ س ۴۳ ایران ۴۶** به‌نام **هوشنگ بینائی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کلیه مدارک شامل سند کمپانی کارت و برگ سبز خودرو سواری **تیبا ۲** مدل **۱۳۹۷** به رنگ **سفید روغنی** شماره انتظامی **ایران ۶۷- ۲۱۷ ط ۸۳** شماره موتور **M13/5596391** شماره شاسی **NAS821100J1208647** به‌نام **محمد مظفری** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو **پراید ۱۳۱** مدل **۹۵** به رنگ **سفید روغنی** به شماره شاسی **NAS411100G3478820** و شماره موتور **M13/5596391** و شماره پلاک **۷۵ ج ۱۹۵ ایران ۳۸** به‌نام اینجانب **رضا طاوسیان** مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند کمپانی و بنچاق **وانت نیسان ۲۴** مدل **۱۳۷۰** به رنگ **بژ روغنی** شماره موتور **403579** شماره شاسی **066112** به شماره پلاک **۱۵۳ ط ۶۳ ایران ۵۶** به نام **داود بیابانی رشته رودی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی خودرو سواری **نیسان ماکسیما AT** مدل **۱۳۸۹** به رنگ **سفید روغنی** شماره انتظامی **ایران ۶۷- ۶۱۶ و ۹۷** شماره موتور **VQ30011298Q** شماره شاسی **PKLHA33CDL819725** به‌نام **حامد آیتی سبزی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

مدرک گواهی موقت فارغ‌التحصیلی اینجانب **محمد کروسی** فرزند **حسن** به شماره شناسنامه **۶۳۴۲۵** صادره از **مشهد** در مقطع کارشناسی **رشته الکترونیک** صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد **بجنورد** به شماره **۷۸۷۷** مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد به نشانی: انتهای خیابان ۱۷ شهریور جنوبی، خیابان دانشگاه آزاد بجنورد ارسال نماید.

سندکمپانی و برگ سبز سواری **پراید جی تی ایکس آی** به رنگ **سورمه‌ای متالیک** مدل **۱۳۸۲** شماره موتور **00969099** شماره شاسی **S1412283351272** به شماره پلاک **۹۳۸ ب ۷۱ ایران ۲۲** به‌نام **زهری‌پور غلامی ماسوله** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند خودرو (برگ سبز) سواری **تیبا هاچ‌بک** مدل **۹۹** به رنگ **سفید** و شماره پلاک **ایران ۹۳-۹۱۱ی۵۳** و شماره موتور **M15/8954247** و شماره شاسی **NAS821100L1264954** متعلق به‌نام **مریم رستگاری** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی **موتورسیکلت وگو** مدل **۱۳۹۵** به رنگ **سفید** به شماره پلاک **۸۷۶۵۲ ایران ۱۳۳** شماره شاسی **N2G***110W9518445 و شماره موتور **AG4GG1327096** به‌نام **افشین شاهی چریق** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کلیه مدارک شامل کارت، برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری **مگان 2E1600** مدل **۱۳۹۰** به رنگ **سفید روغنی** شماره انتظامی **ایران ۴۶- ۹۹۳ ق ۱۴** شماره موتور **K4MD812D193301** شماره شاسی **NAPLM1B0F91011512** به‌نام **عبدالرضا اکبری** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.



حتی تلویزیون می‌تواند سراغ شایعات مطروحه برود و با دلیل و مدرک غلط بودن آنها را به اثبات برساند. البته این اقدام، حکم راه رفتن روی لبه تیغ را دارد. چرا که پرداختن غیرحرفه‌ای به شایعات ممکن است به جای تکذیب به تقویت یک آموزه نادرست منجر شود

سپر «سواد رسانه‌ای»

احسان رحیم‌زاده
روزنامه‌نگار

در گروه‌های تلگرامی و واتساپی خانوادگی، فلان کار را بکنید هرگز به کرونا مبتلا نخواهید شد. همزمان با ورود کرونا، افراد و گروه‌های مختلف، سیل شایعات پزشکی را به سمت شبکه‌های اجتماعی روانه کردند. هدف‌شان، گرفتن لایک بیشتر یا ایجاد اضطراب اجتماعی بود. گاهی هم می‌خواستند منافع اقتصادی و سیاسی گروهی را تامین کنند. مهم نیست آنها چه هدفی را دنبال می‌کردند، مساله این است که اخبار نادرست کرونا می‌توانست جان مردم را به بازی بگیرد و روح و روان آنها را آزرده کند.

وظیفه صداوسیما در برابر شایعات مخرب کرونایی چه بود و باید چه می‌کرد؟ اما حالا سوال مهم این است که اگر شرایط مشابه تکرار شود رادیو و تلویزیون باید چه کند؟ رسانه ملی با چند راهکار می‌تواند به جنگ این شایعات برود. اصلی‌ترین سلاح مخاطبان در برابر این شایعات مجهز شدن به سواد رسانه‌ای است. اگر مردم این مهارت را پیدا کنند که خبر درست را از نادرست تشخیص بدهند، به‌راحتی اسیر محتواهای کاذب نخواهند شد. رسانه ملی باید به مخاطبانش آموزش دهد یک خبر معتبر چه ویژگی‌های محتوایی و ساختاری دارد. بسیار از شهروندان هنگام خواندن خبر به منبع آن توجهی نمی‌کنند. وقتی خبری درباره کشف واکسن کرونا اعلام می‌شود یک مخاطب باید کنجکاو باشد که این خبر را کدام خبرگزاری منتشر کرده است و...

دکتر مسعود یونسیان، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران از جمله پزشکانی بود که در ایام دشوار کرونا روی انتشار اخبار جعلی درباره کرونا حساسیت بسیاری داشت. او تعریف می‌کرد تلویزیون هم خبر نادرستی درباره راه‌های انتشار ویروس کرونا منتشر کرد. این پزشک به گفته خودش با یکی از گویندگان خبر تماس گرفته و درباره کذب بودن محتوای اعلام شده، توضیح داده و تلویزیون هم در بخش بعدی اخبار، خبر قبلی را اصلاح کرده بود. یکی از وظایف رسانه ملی در چنین مقاطع حساسی این است که با تمرکز روی اخبار صحیح و معتبر و تایید شده، راه جولان اخبار کذب کرونایی را سد کند. حتی تلویزیون می‌تواند سراغ شایعات مطروحه برود و با دلیل و مدرک، غلط بودن آنها را به اثبات برساند. البته این اقدام، حکم راه رفتن روی لبه تیغ را دارد. چرا که پرداختن غیرحرفه‌ای به شایعات ممکن است به جای تکذیب به تقویت یک آموزه نادرست منجر شود.

برابر اساس نظریه «برجسته‌سازی» رسانه می‌تواند مخاطبان را به این سمت هدایت کند که به چه چیزی فکر کنند. صداوسیما در اوج همه‌گیری کرونا توانست موضوع کرونا را به یک اولویت و دغدغه اصلی بدل کند. در روزهای ابتدایی ورود ویروس تصور بر این بود که فضا را باید عادی جلوه داد. همان زمان، یکی از گویندگان خبر اصرار داشت که بگوید من کرونا گرفته‌ام و خیلی راحت و سریع بیماری را شکست داده‌ام. در گام بعدی، مجریان و گویندگان راهی دیگر در پیش گرفته و به مخاطبان هشدار دادند جنگ با این مهمان ناخوانده آداب و قواعد خاصی دارد.

سازمان جهانی بهداشت، چندی پیش تذکر داد همان‌گونه که باید از خودمان در برابر کرونا مراقبت کنیم، باید حواس‌مان به ویروس اطلاعات غلط مربوط به بیماری هم باشد. شایعات کرونایی با سرعتی بیشتر از ویروس کرونا پخش شدند و به جامعه آسیب زدند. آن روزها هم گذشت و البته می‌دانیم ممکن است جهان باز هم از این دست اتفاقات بسیار داشته باشد. دانشمندان مدام از آمدن ویروس‌های جدید حرف می‌زنند و برخی پزشکان هم از قرن حمله ویروس‌ها سخن می‌گویند. هرچند همه از ته دل دعا می‌کنیم چنین نشود اما از حالا باید شرایط مشابه و البته سایر شرایطی که در آن شایعات ذهن جامعه را مشوش می‌کند، آماده بود و به مردم یاد داد چطور به وقایع و اخبار نگاه کرده و آنها را راستی‌آزمایی اولیه کنند. مسلما این کار بیش از هر جایی از رسانه ملی برمی‌آید.

مزایده ۳۱۹۲ و ۳۱۹۳ / ۱۴۰۱ / خودرو و اقلام مرکز فروش کوثر

مرکز فروش کوثر در نظر دارد، **تعداد ۶ دستگاه خودرو سبک، سنگین و ماشین آلات راهسازی و نیز اقلام مستعمل و اسقاط زیر را از طریق مزایده حضوری به فروش رساند.**

تنوع خودرو:

پژو سواری (GLX ۴۰۵) - بنز کامیون ۱۹۲۱- بیل مکانیکی کوماتسو ۲۲۰ و PC۲۰۰ کمر شکن دو محور

آدرس محل بازدید: ارومیه، کیلومتر ۳ جاده شهید کلانتری، نرسیده به روستای شورکند، پشتیبانی موسسه امین

تلفن تماس: ۰۹۱۴۱۸۶۴۳۸۲ و ۰۹۱۴۴۴۷۱۵۹۳

تنوع اقلام:

پل شناور خیبری -کوبیت سنگ شکن (ناقص) - انواع پاکت بیل و تیغه بلدوزر - انواع کانکس و کانتینر - انواع تانکر - ابزارآلات مختلف - انواع کمد، فایل، میز، صندلی و تخت - انواع پتو و تشک - لوازم گرمایی، سرمایی و خانگی - دیگ میکسر - رموک تراکتور تک محور- انواع اتاق عقب و جلوی کامیون - روغن سوخته همراه بشکه بشکه فلزی - انواع قالب فلزی - انواع لاستیک ضایعاتی - داغی مختلف - درب و پنجره فلزی - آلومینیوم ضایعاتی - چدن ضایعاتی - شوفاژخانه - آهن آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: ارومیه، کیلومتر ۵ جاده اشنویه، روستای برهانلو کارگاه شهید کاظمی

تلفن تماس: ۰۹۱۴۴۴۷۱۵۹۳ و ۰۹۱۴۵۱۴۱۵۶۴

بچینگ البا بهنام صنعت

آدرس محل بازدید: ارومیه، کمربندی پیامبر اعظم(ص)، جنب باغ رضوان، کارگاه کمربندی دوم ارومیه، موسسه عاشورا

تلفن تماس: ۰۹۱۴۱۲۰۰۵۳۳

الف) شرایط مزایده:

۱- اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن اصل و کپی کارت ملی الزامی می‌باشد.)

۲- خریدار موظف است به محض برنده شدن ۱۰٪ قیمت خرید را به عنوان سپرده به‌صورت نقد از طریق کارت‌های بانکی عضو شبکه شتاب (به‌نام شخص خریدار) و یا چک پول پرداخت نماید.

۳- بابت پرداخت سپرده بالاتر از مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال تهیه چک رمزدار در وجه مرکز فروش کوثر به میزان ۱۰٪ قیمت پیشنهادی الزامی است.

۴- در صورت انصراف خریدار، سپرده به نفع فروشنده ضبط خواهد شد.

۵- خریدار مکلف است علاوه بر قیمت خرید، ۲٪ بابت هزینه‌های جانبی مزایده و ۹٪ بابت مالیات بر ارزش افزوده به فروشنده پرداخت نماید.

۶- فروشنده در رد یا قبول پیشنهادها مختار می‌باشد.

۷- کلیه هزینه‌های پس از فروش به عهده خریدار می‌باشد.

ب) زمان و مکان:

زمان بازدید مزایده: روزهای **دوشنبه و سه‌شنبه، ۹ و ۱۰ خرداد ماه ۱۴۰۱** صبح از ساعت **۸** الی **۱۲** و عصر **۱۴** الی **۱۶**

زمان برگزاری مزایده: روز **چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۳/۱۱** خودرو ساعت **۹** صبح و اقلام ساعت **۱۰** صبح در محل‌های مقرر

آدرس محل برگزاری مزایده خودرو: ارومیه، کیلومتر ۳ جاده شهید کلانتری، نرسیده به روستای شورکند، پشتیبانی موسسه امین

تلفن تماس: ۰۹۱۴۱۸۶۴۳۸۲ و ۰۹۱۴۴۴۷۱۵۹۳

آدرس محل برگزاری مزایده اقلام: ارومیه، کیلومتر ۵ جاده اشنویه، روستای برهانلو، کارگاه شهید کاظمی، **تلفن تماس: ۰۹۱۴۴۴۷۱۵۳۹ و ۰۹۱۴۵۱۴۱۵۶۴**

ساعت پاسخگویی صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶ مدیریت مزایده: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۲۵ مدیریت خدمات پس از فروش: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۱۶-۷
آدرس اینترنتی: www.Kosar-net.ir

قاب جوان
ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
۷ خرداد ۱۴۰۱ • شماره ۸۰۱



دارا حیایی: به نظرم شخصیت هاشم، دغدغه‌ها و مشکلات او شبیه ۸۰ درصد جوانان ایرانی است. او برای عشقش می جنگد، دوست دارد بخندد پرانرژی باشد و شیطنت کند، با دوست صمیمی‌اش رفاقت کند کار کند و... از این نظر این کاراکتر را بسیار دوست دارم

گفت‌وگو با دارا حیایی درباره سریال «از سرنوشت»

زنده‌باد جوان ایرانی!



«از سرنوشت» سریال محبوبی از کار درآمده که مخاطبان آن را پسندیدند و پای تلویزیون نشستند تا ببینند سرنوشت آدم‌های قصه چه می‌شود، کدام طرف می‌روند و سر از کجا درمی‌آورند. این خصیصه اصلی هر اثر داستانی خوب است و سریال مورد نظرمان هم این خصیصه را دارد. فصل چهارم از سرنوشت به تهیه‌کنندگی اکبر تحویلیان و کارگردانی محمدرضا خردمندان در سه فصل اول خود موفق بود و زندگی دو دوست را که در شرایط خاصی به سر می‌بردند، روایت کرد. حالا هم در فصل تازه، رفته سراغ موضوع مهم تولید دانش‌بنیان و به تلاش‌های نخبگان و البته معضلات پیش روی آنها در کشور برای خودکفایی علمی می‌پردازد. با دارا حیایی، بازیگر نقش هاشم درباره از سرنوشت گفت‌وگو کردیم. بازی او در کنار کیسان دیباج در این سریال، زوج موفقی را از این دو هنرمند جوان ساخته که از فصل دوم تاکنون موفقیتش ادامه داشته است.

مخاطبان، هاشم و سهراب از سرنوشت را دوست دارند و همراهی‌شان می‌کنند. فکر می‌کنید دلیل این موفقیت چیست؟

بازیگری هم مانند هر اتفاق دیگری، تنها معطوف به یک فرد نیست و محیط و اطراف هم بر آن تأثیر می‌گذارد. برای همین است که می‌بینیم هر وقت در سینما و تلویزیون یک زوج هنری درست و با درک متقابل از نقش‌های یکدیگر کنار هم قرار گرفته‌اند، اتفاق خوبی رقم خورده است. درباره من و کیسان هم همین‌طور است. ما هر دو علاوه بر نقش خودمان، با نقش همدیگر هم ارتباط خوبی برقرار کرده‌ایم و می‌توانیم کنار هم خوب بازی کنیم. درواقع هر دو برای پیشبرد نقش‌هایمان به هم کمک می‌کنیم و به همین دلیل هم اتفاق خوبی رخ داده که خودمان هم از آن خوشحالیم.

جدای از این موضوع، فکر می‌کنید چه چیزی در متن فیلمنامه وجود دارد که موجب می‌شود مردم هاشم و سهراب را دوست بدارند؟

هاشم و سهراب مثل دو برادر با هم رفتار می‌کنند و هر کدام مراقب دیگری است. در کل می‌بینیم خیلی هوای هم را دارند. هر وقت یکی‌شان به خطا کاری می‌کند یا دچار تندروی‌ای می‌شود، دیگری او را راهنمایی کرده و جلویش را می‌گیرد. به نظرم مردم این موضوع را خیلی دوست دارند. همه‌مان دوست داریم با یکی در این حد دوست و برادر باشیم و بدانیم شخص دیگری همیشه مراقب ماست تا کمتر آسیب ببینیم.

هاشم فصل اول و دوم، در فصل سوم تغییراتی داشت و در فصل چهارم هم همین‌طور.

بله، حق با شماست. در فصل دوم، هاشم کاراکتر خالصی داشت، چرا که بچه‌ها خالصند اما در فصل سوم به دلیل آن‌که درگیر ماجراهای قاچاق دلار شده بود، کمی مرموزتر رفتار می‌کرد و به همین دلیل از بسیاری از علایق دوران کودکی خود جدا شده بود. همه این اتفاقات باعث شد در فصل سوم نقش منفی‌تری را بازی کنم. اما در فصل چهارم، هاشم از زندان آزاد شده و به نظر می‌رسد زندان او را تنبیه کرده است، بنابراین دوباره باید به همان کاراکتر (شخصیت) خالص فصل دوم برگردد با این تفاوت که پخته‌تر شده و رفتارهای عاقلانه‌تری نسبت به دوران نوجوانی خود انجام می‌دهد. تلاش کردم این موضوع را در بازی خود بیاورم.

هاشم برای جوان‌های هم‌نسل شما شخصیتی آشناست. موافقید؟

به نظرم شخصیت هاشم، دغدغه‌ها و مشکلات او شبیه ۸۰ درصد جوانان ایرانی است. او برای عشقش می جنگد، دوست دارد بخندد، پرانرژی باشد و شیطنت کند، با دوست صمیمی‌اش رفاقت کند، کار کند و... از این نظر این کاراکتر را بسیار دوست دارم.

نکته جالب دیگر، موفقیت دو جوان است که روی پای خودشان می‌ایستند و از شرایط دشوار زندگی‌شان عبور می‌کنند. این آرزو و خواسته همه ما آدم‌هاست و به نظرم باید آن را از نقاط قوت سریال به حساب آورد.

بله. نکته خیلی مهمی است که دو تا بچه پرورشگاهی روی پای خودشان می‌ایستند. هاشم و سهراب، دو پسر پرورشگاهی هستند که با وجود تمام مشکلات و فراز و فرودها در زندگی‌شان، آرام آرام بزرگ شده، کارگاه تأسیس می‌کنند و با غیرت و همت خودشان دست به چنین کار بزرگی می‌زنند. فراموش نکنید آنها توانستند قطعه‌ای را تولید کنند که در صنعت پزشکی واقعا اثرگذار است و از سویی دیگر، نوعی افتخار برای ایران محسوب می‌شود. بنابراین به نظرم مهم‌تر از خود اتفاق، روند رسیدن به آن است که برای مخاطب جذابیت دارد. جالب است بدانید بسیاری از بازخوردهایی که از مخاطبان دریافت می‌کنم ناظر بر همین روند شکست و پیروزی است. آنان به من می‌گویند این فراز و فرود برایشان جذاب است.

داستان امیدواری

هاشم و سهراب در سه فصل آنقدر خوب با سرنوشت و بازی‌هایش مواجه شدند که هم عوامل فیلم مجاب شوند به ساختن فصل چهارم از سرنوشت و هم مردم دوباره برای دیدن ماجرای این دو جوان چشم به صفحه تلویزیون دوختند.

داستان فصل اول این سریال، از رفاقت هاشم و سهراب، دو پسربچه پرورشگاهی آغاز می‌شود. آنها از کودکی در این مرکز زندگی می‌کنند تا به مرحله نوجوانی و جوانی می‌رسند. آنها که آرزوهای بزرگی را در سر می‌پرورانند، فراز و نشیب‌های زندگی‌شان، محور روایت اتفاقات این سریال قرار می‌گیرد. فصل دوم این سریال، به اتفاقات دوران نوجوانی دو شخصیت اصلی این سریال یعنی هاشم و سهراب اختصاص دارد که ایفای نقش آنها به عهده دارا حیایی و کیسان دیباج است. هاشم در پایان فصل سوم روانه زندان می‌شود؛ اما این پایان خط نیست که هیچ، بلکه آغاز ماجرایی تازه در زندگی او و رفیقش است. در آغاز فصل چهارم از زندان آزاد شده و بازگشت دوباره او به کارخانه، ماجراهای جدیدی را با شریک قدیمی‌اش، سهراب به همراه دارد. همچنین زندگی شخصی آنها با ورود افرادی جدید و چند رخداد سمت و سوی جدیدی می‌گیرد. عمده‌ترین مساله‌ای که در این فصل از سریال دنبال می‌شود، موانع تولید داخل بر سر راه جوانان و تشویق به تولید دانش‌بنیان است.

سریال در این فصل به دنبال موضوعات روز جامعه رفته بود. موضوعاتی که تولید داخلی و مشکلات آن را نشانه گرفته و نشان می‌داد چطور تولیدکنندگان داخلی با معضلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند و البته این مسیر ختم به ناامیدی نشد و نشان داد می‌توان در همین شرایط سخت هم پیروز بود و برای خودکفایی وطن قدم برداشت. دو شخصیت اصلی سریال که مراحل رشد و تغییرات و شخصیتی‌شان را در سه فصل قبل دنبال کرده بودیم، حالا به این پختگی رسیده‌اند که چطور بر مشکلات فائق بیایند و روی پای خودشان بایستند.

هاشم و سهراب، کار خود را از کارگاه اسماعیل شروع کردند و بعد از تعطیلی آنجا ناچار شدند دنبال سرمایه‌گذار بگردند. همین شد که آقای خاکپور با وجود مخالفت‌های اولیه در نهایت دست آنها را گرفت تا کارگاه خودشان را راه بیندازند. هرچند در این مسیر با دشواری‌های زیادی مواجه شدند، اما خسته نشدند و از پا ننشستند تا به نتیجه‌ای که باید رسیدند.

